

اصوات (ياس - موثر)

تفسير : مهدي هاديان ، محمد رضا ملك احمدى  
طرح : سبحان كروسى

نکته مهمی که در ابتدا باید به اون اشاره کرد این هست که صدای یاس به نظر صدای خسته ای میرسه که این خودش میتونه شنونده موزیک رو با توجه به مفهوم کلی اهنگ با این نوید مواجه کنه که حرفهایی که قراره بشنوه حقیقت هست و میتونه باعث آرامش دادن به شنونده بشه. در ورس اول یاس بطور آشکاری در ابتدا داره از گذشته تا به امروز خودش اشاره میکنه اما نکته مهم این هست که این نوع ادبیات یک ادبیات رایج در بین ایرانیان هست که با اشاره به خودشون میخواهند اشکالات بقیه افراد رو متذکر بشن و اونها رو متوجه اشتباهشون بکنن. یاس با اشاره به خودش و بیان اینکه صد رو دارم و نمیدونم کدومش هستم داره این دو رو و دورنگ بودن مردم رو بیان میکنه و به گونه ای حتی میگه که خود مردم هم نمیدونن درچه وضعیتی به سر میبرن. مطلب بعدی مربوط به خودش هست و اشاره میکنه که الان به جایگاه بالایی رسیده ولی از این جایگاه هم راضی نیست و میگه بخاطر همین معروفیت نمیتونه خیلی چیزا رو ببینه و تجربه کنه دیگه "این بالا برو و مه" و نوع گفتنش با بکار بردن ضمیر این باعث میشه شنونده حضور یاس در اون نقطه رو بیشتر حس کنه. "منزجر از خونه" کاملاً محدودیت هایی که معروفیت برایش بوجود آورده رو با بکار بردن کلمه خونه بیان کرده ولی نکته مهم تر با توجه به ورس دو میشه اعتراض به وضعیت نابسامان کشور دونست و در نهایت با استفاده از یه ضرب المثل دوباره حرفش رو تکرار میکنه و بعد این مصرع رو به اتمام میرسونه. در موردش بده و سرنوشت مبهمی که داره رو در مقابل خودش میبینه.

در ادامه به گذر سریع زمان اشاره میکنم و نتیجه‌ی گذر زمان رو با وجود اینکه به معروفیت و جایگاه اجتماعی بالا رسیده اما همراه با از دست دادن آرامش و زندگی آروم و معمولی خودش میدونه و این رو به از عرش به فرش افتادن تشبیه میکنه. "از اون طرف آینده شد از آن کیا" این مصرع هم میتونه این موضوع رو برسونه که خیلی از افراد بدون هیچ تلاشی به اینطور جایگاهی یعنی سلبریتی بودن رسیدن و حتی میتونه جنبه‌های سیاسی هم داشته باشه و از خودش میگه که با رسیدن به این جایگاه داره مشکلات و کمبودهای گذشته رو کامل میکنه. "مخلص واقعی جاشو داد به ناخالصی‌ها" همیشه دوبرداشت متفاوت از این مصرع داشت هم اینکه افراد با خلوص کم شدن و افرادی که واقعی نیستن جای اون‌ها رو گرفتن و هم اینکه میتونه این باشه که افراد پاک و خالص با بزرگ شدن دچار دام ناخالصی‌هایی مثل اعتیاد به مواد مخدر شدن. "عمق وجودم ظلمات مثل غار سیاه با این حال با این دنیا دارم کار زیاد رفتنی از نگاه مقابل داره میاد" اشاره به این میکنه که تمام این اتفاقات باعث شده به یه سردرگمی برسه و دنیا براش سخت تر بشه اما با وجود همه اینا هنوزم میخواد با قدرت بمونه و ادامه بده اما در مصرع اخر این بخش میگه که داره عمرش میگذره و به انتهای مسیر نزدیک. "نقشه‌ها ابترن رهسپار سفرم شرح حال رفتنم از نگاه دفترم" یاس تو فکرش نقشه‌های زیادی داره اما بنا به شرایط خیلی از اون‌ها دیگه قابل اجرا نیستن و زندگی در دنیا براش مثل سفریه که شعرش زندگی نامه خودش که همیشه در مصاحبه‌هاش هم اشاره کرده از زندگی منویسه.

می درم روکشت این ترک رو بشه خوار شدم تو چشت خار میشم تو "چشت" خب همونطور که از اول اشاره کرده بودم، این ورس با اینکه داره در مورد خودش میگه اما نقد اجتماعی و با این بیت یاس رو علنی میکنه یعنی همه ی مایه روکش داریم که یاس قصد داره اونو نابود کنه و با اینکار ترک های ما و مشکلات ما عیان میشه و این باعث شده که در نظر ما یاس حقیر بشه (خوار بشه) ولی اون خودش رویه خار در چشم محسوب میکنه و به اینکه این خود واقعی رو عیان میکنه افتخار میکنه "برگ و ساقه آدمه ولی مرده ریشه ها" اشاره به این میکنه که آدم ها به ظاهر آدم هستن ولی ریشه و اصلاتی ندارن و انسانیت و ریششونو از دست دادن و همه خلصت گرگ بودن پیدا کردن. "که جاشو داده به خوی و خلصت گرگ بیشه ها زبون به فرم نیش مار و گربه میشه هار می شکنیم همو و می رقصیم رو خرده شیشه ها" در قسمت بعدی باز هم به مردم اشاره میکنه و اینکه همه مردم صفات بد حیوان ها رو دارن کسب میکنن و مثل گرگ هم دیگه رو میدرن و با نیش زبون مثل مار نیش میزنن و کشور ایران (گربه) شده جایی که همه هار شدن و به هم حمله میکنن و همدیگه رو میشکنن و از اینکار خوشحالی میکنیم در حالی که داریم به خودمون هم آسیب میرسونیم "نامحسوس بد شدم به طوری که عادی شه روندم دیگه واسم مهم نبود حتی آتیش جهنم واسه چاله های خودم چاه جدید کندم خیلی وقته تو زندون خودم وکیل بندم" اشاره ای به آهنگ "بد شدم" میکنه و میگه بد شدن من خیلی غیر قابل دیدن بود که باعث شد روندش برای همه عادی باشه و از طرفی با اینکه میدونستم دارم بد میشم و کارهام اشتباهه اما پس دادن تاوانش هم برام مهم نبود و به آینده فکر نمیکردم و با ادامه دادن این رویه مشکلاتی که داشتم و کم بود رو به مشکلات بزرگتری تبدیل کردم

در ادامه اش میگه که من مثل همه مردم در حال طی کردن این رویه بد شدن بودم ولی خیلی از مردم جرأت و قدرت گفتنش رو نداشتن و من مثل یه وکیل بند هستم که دارم اینو به همه اعلام میکنم و البته این قسمت میتونه تیکه های سیاسی هم داشته باشه "مقتدر توی قاب منفجر تو نقاب کوچه ها توی خواب کوچ ما به سوی خاک دیگری، این خونست؟" اشاره میشه به اینکه ما همه توی عکس هامون جذابیم (مقتدر توی قاب) اما از درون داغونیم و به روی خودمون نقابی گذاشتیم برای عکس هامون و مردم همگی در خواب به سر میبرن و افراد نابغه ای مثل خود یاس در حال مهاجرت و فرار از این خاک هستش و با پرسش اینکه این خونست؟ یعنی یه نوع اعتراض به شرایط کشور که چرا اینگونه شده. "حرف نزن، می دونم که دارم یه کتاب نو رو از وسط می خونم" اشاره میکنه که خودش هم میدونه خیلی بدون مقدمه رفته سراغ اصل مطلب از اول آهنگ و میگه نباید به خاطر این سرزنشش کنیم

در قسمت ابتدایی ورس یاس می‌گه که خاطره های که به مرور در زندگی کسب کرده اصلتش رو از بین برده و باعث شده ارق و اعتقاداتش رو کنار بذاره و سه رکن اساسی جامعه در تربیت بچه ها که خانواده و مدرسه و دوستان هستن به روی او اثر گذاشتن تا همراه با جامعه پیش بره که این همراهی اون رو تبدیل به یه مُرده متحرک کرده بود با درونی کرخت اما الان تونسته از بند این همراه بودن نجات پیدا کنه و جدا از جامعه ادامه بده در قسمت بعدی ورس که مطالب باز هم واضح هست اما اول به تاریخ اشاره میکنه و اینکه هیچ جای تاریخ عدالت نبوده و دنبال عدالت بودن به نتیجه منتهی نمیشه، افرادی که قانون ها رو تعیین میکنن پایبند قانون نیستن اما مردم عادی همیشه دنبال اجرا قانون هستن ولی این بی قانونی از بین میره زمانی که مردم به زیر خط فقر برسن. وقتی به خودت شک داری یعنی اسوه هراسی همیشه منظور از این مصرع رو با در نظر گرفتن مصرع بعد اینطوری گفت که وقتی کسی به خودش شک داره باعث میشه نتونه از خودش یه اسوه و الگو واسه جامعه بسازه و اینکه بخاطر همین شک به خود که در جامعه رخنه کرده تعداد نخبه ها کم شده و به نوعی این قسمت تشویق جامعه به اعتماد به نفس برای پیشرفته، و این نبود اعتماد به نفس باعث شده ذوق و شوق از بین بره و باعث شده افراد شغل مناسبی نداشته باشن و بیشتر وقت مردم به بطالت در فضای مجازی با دیدن عکس شاخ های اینستاگرام بگذره.


در قسمت بعدی اصل موضوع با مصرع اخر مشخص میشه که می‌گه همه افراد کارهای خودشون رو فقط واسه رفع تکلیف انجام میدن اما توجه به این نکته ضروری هست که یاس دلیل کم کاری خودش رو می‌گه که من اهنک زیاد نمیدم اما اهنک خوب میدم با کنایه انداختن به خلیا که اهنک های زیاد و کم کیفیت میدن و دلیل کار اونهارو این میدونه که برای پول در آوردن از موزیک استفاده میکنند در قسمت بعدی بطور کلی اشاره میکنه به این قضیه که آموزش های غلط جامعه رو فرا گرفته و باعث شده ارزش ها استعداد ها و افتخار آفرینی های جامعه از بین بره. دوباره اشاره میکنه که شعراش خلاصه ای از مشکلاتش هست و مشکلاتش خیلی بیشتر از این اشعاره و چون داره از مشکلاتش میخونه این براش اهمیت نداره بقیه اهنکاش رو با چه دیدی ببینن و می‌گه که فیلم ها نمیتونستن مشکلات منو که واقعی بودن رو به تصویر بکشن و بهترین راه برای بیانش همون اهنکاشه و این مشکلات برای یاس که رویا دوست هست خیلی گرون و سخت گذشتن و برای تحقق رویاهام به یه دوراهی بین موندن در ایران و رفتن رسیدم و انتخاب هر کدومش یه ریسک بود ولی موندنم منو به چشم میاورد و باعث میشد که شنیده و دیده بشم اما با رفتن من میشم مثل یه ماهی تو اقیانوس و به چشم نمیومدم همچنین از این قسمت میشه برداشت دیگه ای هم داشت که در ایران محدودیت زیاد باعث شده یاس مثل یک کوسه در آکواریوم باشه و با رفتنش از ایران محدودیت ها به قدری برطرف میشه که مثل یک ماهی تو اقیانوس میشه.

و قسمت اخر آهنگ جدای از حس عجیبی که به آدم دست می‌ده  
اشاره می‌کنه که زندگی برای یاس به مطلب دیکته شده بود که  
طبق اون جلو رفته و همون چیزی بوده که بقیه یهش تحمیل در ادامه  
میگه کلمه امید یعنی انتظار با تلاش اما در اجتماع همه انتظار به  
تنهایی رو امید میدونن و در این موضوع باعث شده که اینجا همیشه  
درگیر ناامیدی باشیم چون تلاشی انجام نمیشه در پایان باید گفت  
یکی از جذابیت های همیشگی لیریک های یاس وجود چند معنی در  
بیت هاست که باعث میشه هر فردی تصورات متفاوتی داشته  
باشه و حتی نشه به دقت به دلیل اصلی نویسنده شعر پی برد. باید  
دایره لغات یاس رو ستایش کرد که بازی با کلمات لذت بخش  
ترین بخش این شعر برای اکثر شنونده هاست. عده زیادی ایراد  
به یک نواختی فلو ترک گرفتن اما باید دقت کرد دلنواخت بودن  
این ترک باعث ریتم یکنواخت میشه و این ریتم یکنواخت شنونده  
رو به گوش کردن و فهمیدن مطلب مجبور میکنه نه فقط هد زدن  
با آهنگ. یاس مثل همیشه قدرت صدا و تکست خودش رو به اثبات  
رسوند و باز هم با اجتماع همراه بود و خودش رو جدای از مردم  
ندانست.



در رابطه با حضور موثر در این کار حرف و حدیث بسیار هست اما مطمئن باشید یاس بهترین ها رو برای کارش انتخاب میکنه و شکی درش نیست، اما به شخصه رپ کردن موثر رو نسبت به سبکش در این ترک ترجیح میدم اما فضا سازی عالی موثر برای وارد شدن به ورس اول یاس خیلی ذهن مخاطب رو آماده میکنه. و این از ویژگی های مثبت اینترو کار بود.





آهنگسازی این کار با فرید عرش بوده که جز بهترین آهنگساز های  
رپ فارسی هست و بیت کار خیلی آرامش بخش و مناسب با فضای  
کار هست و میشه جز همکاری های بسیار خوب فرید و یاس دونست  
میکس و مستر با شروین رادفر بوده که همیشه جز بهترین های  
موسیقی در این زمینه هست و نقصی نمیشه تو این کار شروین پیدا  
کرد به هردو برای این همکاری ارزشمند و تاثیر گذار باید تبریک

گفت

# OVERDOSE 3

EXECUTIVE PRODUCERS: Omid Honarvar / Jafari HR

# KHAT PRODUCTION

کمپانی خط جز بهترین کمپانی های موسیقی فارسی هست و همکاری حمیدرضا جعفری منیجر کاغذ در این البوم باعث پیشرفت چشمگیر مجموعه نسبت به مجموعه قبلی بوده اما با توجه به اینکه این تحلیل صرفا راجع به آهنگ یاس هست فقط به این کمپانی امید هنرور و حمیدرضا جعفری باید تبریک و خسته نباشید گفت

طراحی کاور این متن بر عهده **سبحان گروسی** بوده و انتشار عکس بدون تگ کردن طراح رعایت نکردن حق کپی راییت به حساب می آید و این تحلیل ماحصل همکاری **محمد رضا ملک احمدی** و **مهدی هادیان** بوده و انتشار متن بدون تگ کردن این دو رعایت نکردن حق کپی راییت به حساب می آید

تشکر ویژه از **حانیه عزیز**

